

## The Educational Functions of Inquiry in Masnavi-ye-Ma'navi with Emphasis on the First Book

Fatemeh Davari Dolat-Abadi\*

Mohsen Mohammadi Fesharaki\*\*

Mohammad Hossein Heydari\*\*\*

### Abstract

Molavi is one of the poets and writers who has paid much attention, in his works, to the influence of words on the audience and to arousing them. One of the reasons for this claim is, in addition to his direct references to observe the audience's situation, that there are convergent, explanatory, and divergent questions in Masnavi-ye-Ma'navi, which activates thought and creates positive change. The present study has first collected the questions in the First Book of Masnavi-ye-Ma'navi, then, while separating educational questions, it has provided educational functions for them based on their arousal in the audience. Having studied and selected the sample, and collected the data, the researchers used the method of qualitative content analysis to analyze the data. The result of this study is that the educational questions of the First Book of Masnavi-ye-Ma'navi are extracted in functions such as creating reminders, accepting inability, paying attention to and focusing on a subject, revealing neglect and ignorance, by removing neglect, demanding reasoning, expanding insight and knowledge, removing doubt, expressing regret and trying to compensate, asking Allah, and asking others. Teachers can use questions in the functions that were extracted from Masnavi-ye-Ma'navi to rouse, resolve training and educational problems, develop students' creativity and logical thinking.

**Keywords:** Molavi, questioning method, educational question, function of inquiry, educational function, *Masnavi-ye-Ma'navi*.

---

\* Ph.D. student in Mystical Language and Literature, Isfahan University, Isfahan, Iran, f.davari.d@gmail.com.

\*\* Associate professor, Department of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran, mohammadi@tr.ui.ac.ir.

\*\*\* Associate professor of Department of Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran, mhheidari1353@gmail.com.

## کارکردهای تربیتی پرسشگری در مثنوی معنوی با تأکید بر دفتر اول

فاطمه داوری دولت‌آبادی\*

محسن محمدی‌فشارکی\*\*

محمدحسین حیدری\*\*\*

### چکیده

مولوی از جمله شاعران و نویسندگانی است که در آثار خود به تأثیرگذاری کلام بر مخاطب و برانگیختن او توجه زیادی دارد. یکی از دلایل این ادعا، علاوه بر اشاره‌های مستقیم او به رعایت حال مخاطب و وجود پرسش‌های هم‌گرا، تبیینی و واگرا در مثنوی معنوی است که باعث فعال شدن فکر و ایجاد تغییر مثبت می‌شود. پژوهش حاضر ابتدا به جمع‌آوری پرسش‌های موجود در دفتر اول مثنوی معنوی پرداخته است، سپس ضمن جداسازی پرسش‌های تربیتی، برای آنها کارکردهای تربیتی براساس برانگیزانندگی که در مخاطب دارند ارائه کرده است. محققان پس از مطالعه و انتخاب نمونه و جمع‌آوری داده‌ها، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی بهره برده‌اند. حاصل این پژوهش قرار گرفتن پرسش‌های تربیتی دفتر نخست مثنوی در کارکردهایی چون ایجاد یادآوری، پذیرش ناتوانی، توجه و تمرکزدهی بر یک موضوع، نمایاندن غفلت و نادانی، غفلت‌زدایانه، استدلال خواهانه، بسط بینش و دانش، تردیدزدایانه، بیان پشیمانی و تلاش برای جبران، خواهش از خدا، خواهش از دیگران بوده است. مدرسان می‌توانند از پرسش در کارکردهایی که از مثنوی مولوی استخراج شد، جهت برانگیزانندگی، رفع اشکالات آموزشی و تربیتی، رشد خلاقیت و تفکر منطقی دانش‌آموزان و دانشجویان استفاده کنند. واژگان کلیدی: مولوی، روش پرسشگری، پرسش تربیتی، کارکرد پرسشگری، کارکرد تربیتی، مثنوی معنوی.

## ۱. مقدمه

واژه «تربیت» با توجه به ریشه آن به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است و از این رو به معنی تغذیه و رشد جسمی نیز هست. اما باید توجه داشت که اصطلاح تربیت بیشتر بر جنبه رشد شخصیتی و تعالی افراد از جنبه روحی و رفتاری که همان تزکیه و تهذیب است، اشاره دارد (باقری، ۱۳۹۲، ص ۵۱). یکی از ابزارهای تحریک و رشد تفکر و خردورزی، پرسشگری اثربخش، خلاق و فعال است که می‌تواند سبب کشف علوم و یافته‌های علمی جدید از طریق ایجاد تفکر نقاد و پویایی علمی شود.

بنابر آنچه شیوه قرآن کریم است، می‌توان گفت که پرسش یکی از ابزارهای تحریک‌کننده خرد آدمی است که خداوند در کتاب خویش از دریچه آن به تربیت بندگان خویش پرداخته است. خداوند در قرآن کریم با کلمات پرسشی «هل»، «أو» و واژه‌هایی مثل «سئلونک، سئلو، سل و...» (قرآن، بقره ۷۷، ۱۸۹، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۰، مانده ۴ و ۷۴، اسراء ۸۵، طه ۱۰۵، نازعات ۴۲، احزاب ۶۳، آل عمران ۷۰ و ۷۱، انبیا ۷، نسا ۸۳، روم ۸، زاریات ۲۱، طارق ۵) انسان‌ها را به پرسشگری و کنجکاوی وامی‌دارد (عبدالله‌پور، ۱۳۹۸، ص ۴۷).

در تعریف لغوی پرسش می‌توان گفت که پرسش یا سؤال، عبارتی زبانی با مضمون درخواست اطلاعات است (کزازی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷). پرسشگری در نگاه سقراطی آن یعنی نمایاندن نادانی و نپذیرفتن چیزی آن‌گونه که ادراک می‌شود و دنبال شواهد گشتن. وی معتقد بود که حقیقت آنچه تجربه می‌کنی نیست، حقیقت را باید جستجو کرد و این جستجو از طریق پرسشگری انجام می‌شود (اوورهلسر، ۱۳۹۵، ص ۱۲). همچنین، پرسشگری نوعی گفتگوی متقابل و ارائه استدلال‌هایی است که منجر به ادراک عمیق‌تر در فرایند جستجو و درک حقیقت می‌شود (عبدالله‌پور، ۱۳۹۸، ص ۴۳). طبق یافته‌های محققان تعلیم و تربیت، یک محیط تربیتی پاسخ‌محور قدرت تخیل دانش‌آموزان را از بین برده و خلاقیت آنها را زایل می‌سازد. اگر نظام‌های تربیتی علاقه‌مند به تقویت آفرینندگی دانش‌آموزان هستند، باید فرصت پرسشگری را برای دانش‌آموزان فراهم نمایند و آنها را برای پرسش‌های متخیلانه تشویق کنند. در واقع، خلاقیت در فضای پرسشگرانه شکوفا می‌شود نه در محیطی که تأکید بر پاسخ‌های مشخص، مهم‌ترین ویژگی آن است. بنابراین، نظام آموزش و پرورش باید تخیل و پرسشگری را به‌عنوان دو ویژگی مهم تفکر انسان که اندیشیدن به امکان‌های جدید و راه‌حل‌های بدیع را میسر ساخته و خلاقیت را امکان‌پذیر می‌سازد، مورد تأکید قرار دهد (ابراهیمی و مهرمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۲۹).

شاید در نگاه اول، کم‌ترین بازتاب پرسشگری در متون عرفانی که اکثراً براساس تبعیت از پیر نوشته شده‌اند انتظار برود اما با اندکی جستجو، این شیوه در میان حلقه بحث بعضی از عرفای مخاطب‌محور، با اهمیت و برجستگی فراوانی دیده می‌شود. پرسشگری، بسته به رندی و زیرکی پرسشگر و نوع برخورد پاسخگو، تأثیر زیادی در رشد و پیشرفت شخصیتی و علمی مریدان داشته است. در میان اندیشمندان و عارفان ایرانی، مولوی عارف و ادیب قرن هفتم، که در مسائل اخلاقی و رشد و تکامل انسان صاحب‌نظر است، به مخاطب‌محوری و گفت‌گو و پرسش و پاسخ دوطرفه و ایجاد پرسش در ذهن مخاطب توجه فراوانی نشان داده است. حال این مخاطب هرچند هم تشنه شنیدن باشد، در صورتی می‌تواند از کلام گوینده تأثیر مثبت بپذیرد که با گوینده همراه و اهل یادگیری باشد.

«ای دریغا مر ترا گنجای بدی      تا ز جانم شرح دل پیدا شدی  
مستمع چون تشنه و جوینده شد      واعظ از مرده بود گوینده شد  
مستمع چون تازه آمد بی‌مالال      صدزبان گردد به گفتن گنگ و لال»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶)

بنابه تأکید پروردگار بر خردورزی در قرآن و استفاده از پرسش جهت تحریک اندیشه در آیات مختلف، توجه به استخراج شیوه پرسشگری از متن تربیتی مخاطب‌محور و دیالکتیکی مثنوی مولوی که متأثر از آیات الهی شکل گرفته است، امر مهمی است که می‌تواند در تعالی و پویایی معنوی آدمی کمک شایانی کند و سبب اثبات این مطلب است که بعضی از عرفا در زمینه رشد ابعاد انسانی خود و مریدانشان از خردورزی و پرسشگری کمک می‌گیرند. بنابراین می‌توان برای برون‌رفت از سیستم آموزشی تا حدودی غیرمنعطف، اقتباسی، (نوروزی و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۱۷۵) تک‌بعدی، پاسخ‌محور، معلم‌مدار و سنتی فعلی (ابراهیمی و مهرمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۳۰) به آثار برخی از اهل عرفان که مخاطب‌محورانه و پرسش‌مدارانه سعی در خلق اثر نموده‌اند رجوع کرد. مثنوی مولوی از جمله آثاری است که می‌تواند در رفع مشکلات نظام تربیتی فعلی مؤثر باشد.

جهت دیگر در ضرورت پرداختن به این تحقیق اینکه تا به حال تحقیق مستقلی در زمینه ارائه کارکردهای تربیتی پرسشگری از آثار مولوی تدوین نشده است و پژوهش حاضر با محوریت دفتر اول مثنوی معنوی، می‌تواند محل رجوع پژوهشگران باشد.

در این پژوهش مؤلفان به دنبال ارائه کارکردهایی از پرسشگری از دیدگاه مولوی هستند که بتوان بر مبنای آنها هدف‌گذاری و چشم‌انداز تربیتی نیز ترسیم نمود. پژوهشگران در این تحقیق به دنبال ارائه پاسخ به این پرسش‌ها هستند: ۱. تمامی ابیات پرسشی مولوی در دفتر اول مثنوی را در چه

مؤلفه‌هایی می‌توان دسته‌بندی کرد؟ ۲. بر چه مبنایی می‌توان کارکردهای تربیتی پرسش در مثنوی را به دست آورد؟ ۳. کارکردهای تربیتی مستخرج از ابیات پرسشی کدام هستند؟

#### ۱-۲. پیشینه تحقیق

به نظر می‌رسد که کارکردهای پرسشگری در مثنوی معنوی تابعحال مورد بررسی قرار نگرفته است. آنچه که بوده تأثیر داستان‌های مثنوی بر بیشتر شدن مهارت پرسشگری بوده که به شیوه میدانی انجام شده است. مواردی هم که به پرسشگری در متون به‌عنوان روشی تربیتی پرداخته‌اند، متون دیگری مانند قرآن و یا دیوان شاعرانی مانند ناصر خسرو را ملاک قرار داده‌اند که در روش، نوع دسته‌بندی و متن و نتیجه با پژوهش حاضر متفاوت است. از آن جمله می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱. فیضی شلمانی، (۱۳۸۰)، «پرسشگری در قرآن کریم»، این پایان‌نامه پرسشگری را در قرآن کریم مورد واکاوی قرار داده است و پژوهش حاضر از نظر رویکرد تربیتی، متن، و نتایج و اهداف با آن مغایر است.

۲. رنجبر تیلکی، (۱۳۸۹)، «کارکردهای تربیتی پرسشگری در قرآن»، این پایان‌نامه، با رویکردی مشابه با پژوهش حاضر، به دنبال استخراج کارکردهای تربیتی پرسش‌های قرآن کریم بوده است. وجه تمایز آن با پژوهش حاضر، دسته‌بندی‌ها، روش و متن مورد پژوهش است.

۳. شکیبایی، گلجی، و خلعتبری، (۱۳۸۹)، «تأثیر داستان‌های مثنوی معنوی مولانا بر میزان مهارت پرسشگری فلسفی نوجوانان»، که این پژوهش به شیوه میدانی به تأثیر داستان‌های مثنوی بر پرسشگر شدن نوجوانان توجه دارد و با پژوهش حاضر که در متن مثنوی به دنبال تحلیل پرسش‌هاست متفاوت است.

۴. حاجیان، (۱۳۹۱)، «نقش تربیتی پرسش‌های قرآنی در تغییر فرهنگ جاهلی» این پایان‌نامه، به بررسی پرسش‌های به‌کار رفته در قرآن کریم و تأثیر آن بر تغییر فرهنگ جاهلی قبل از اسلام می‌پردازد و در روش، متن مورد پژوهش و اهداف با تحقیق حاضر مغایر است.

۵. فصیح، (۱۳۹۳)، «ماهیت پرسشگری در قرآن کریم و ماهیت آموزشی آن»، این پایان‌نامه نیز به بررسی ابعاد آموزشی پرسش‌های به‌کار رفته در قرآن کریم می‌پردازد و در روش، اهداف و متن مورد بررسی قرار گرفته با پژوهش حاضر متفاوت است.

۶. حجتی‌زاده، (۱۳۹۴)، «پرسش از پرسشگونه‌ها و کارکرد پرسش در دیوان ناصر خسرو»، که به بررسی پرسش در دیوان ناصر خسرو پرداخته است. او پرسش‌ها را به دو دسته همگرا (بلاغی) و واگرا (فلسفی) تقسیم نموده است و از جهت نوع تقسیم‌بندی و متن مورد پژوهش با پژوهش حاضر متفاوت است.

۷. سجادیه، دیالمه و طوسی‌ان خلیل‌آباد (۱۳۹۶)، رویکرد تربیتی به کارکردهای پرسش از منظر قرآن کریم»، این پژوهش با روشی متفاوت از پژوهش حاضر، به استخراج کارکردهای تربیتی از آیات قرآن می‌پردازد که علاوه بر روش، در متن و نتایج با تحقیق حاضر متفاوت است.

### ۱-۳. روش تحقیق

در تحقیق حاضر ابتدا به شکل مطالعاتی و کتابخانه‌ای به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شد و سپس از طریق تحلیل کیفی، داده‌های به‌دست آمده مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. «تحقیق کیفی به مطالعه روابط انسان با اذعان به حقایق متکثر و فردی شده آن در زندگی‌شان می‌پردازد» (یوفلیک، ۱۳۸۲، ص ۱۵). تحت عنوان تحقیق کیفی روش‌های متفاوتی که ملزومات نظری خاص و مورد فهم خود را دارند جمع شده است. هرچند در روش‌شناسی متفاوت هستند و چشم‌انداز متفاوتی دارند (یوفلیک، ۱۳۸۲، ص ۳۳). این روش در مقابل تحلیل محتوای کمی قرار می‌گیرد و بیشتر از شمارش کلمات و اصطلاحات آشکار متن، با الگوها و مضامین نهان متون سر و کار دارد. به‌طورکلی تحلیل محتوای کیفی با واکاوی مفاهیم، اصطلاحات، و ارتباطات بین این مفاهیم و بدون در نظر داشتن کمیت و تعداد داده‌ها سعی در استنباط و آشکار کردن الگوهای نهان در مصاحبه‌ها، مشاهدات و اسناد مکتوب دارد (مؤمنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۸۷). از میان انواع روش تحقیق و تحلیل کیفی، با توجه به سروکار داشتن پژوهش حاضر با متن، «تحلیل محتوای کیفی» به‌عنوان روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش انتخاب شد. تجزیه و تحلیل محتوا به‌عنوان روشی برای احترام به باز بودن باورها و نیز مبتنی بر نظریه است. مراحل تحلیل محتوا از نگاه لورنس باردن دارای سه قطب است که از نظر زمانی پشت سر هم قرار می‌گیرند:

۱: تحلیل ابتدایی که به سازمان‌دهی و مکاشفات اولیه از متن اختصاص دارد. و شامل مراحل

و موارد زیر است:

- الف) قرائت آزاد متن برای آشنایی اولیه
- ب) انتخاب مدارک مورد نیاز که گاهی از قبل و با تعیین موضوع تحقیق روشن می‌شوند و باید ویژگی‌هایی چون جامعیت نمونه، مانعیت و نمایندگی نمونه از کل جامعه آماری و داده‌ها، همگنی و تناسب داده‌ها در انتخاب مدارک، مورد نظر قرار گیرد.

• تنظیم فرضیات و اهداف

• علامت‌گذاری نشانه‌ها و تعیین اهداف فرضیه

• تهیه مواد قبل از شروع تحلیل اصلی

۲. استخراج از مواد که شامل: اِعمال رمزگذاری، محاسبه یا شمارش متناسب با فهرست یا برنامه‌ای که از قبل تنظیم شده است، می‌شود.

۳. ارائه و بررسی نتایج به دست آمده و سپس تفسیر آنها (باردن، ۱۳۷۴، ص ۱۰۷ تا ۱۱۵)  
در این پژوهش، ابتدا با بررسی متون مختلف و مطالعه‌ی ضمنی مثنوی معنوی و آشنایی با متن، با توجه به هدف‌گذاری اولیه به انتخاب مدارک، بازنگری و انتخاب داده‌هایی که جامع و مانع پژوهش باشند یعنی ابیات پرسشی دفتر اول مثنوی پرداخته شد. سپس ضمن دسته‌بندی کلی پرسش‌های به دست آمده، اهداف جزئی و سؤالات تحقیق بازنگری شد و کارکردهای تربیتی پرسشگری در دفتر اول مثنوی با رفت برگشت بر داده‌ها، و با توجه به دسته‌بندی کلی پرسش‌های دفتر اول مثنوی، به شیوه‌ی نهایی شکل گرفت. با توجه به این مطلب می‌توان گفت: تعیین اهداف و دسته‌بندی مؤلفه‌ها استقرایی، قیاسی بوده است یعنی کارکردهای پرسشگری تعیین و با بازنگری چندباره متن و دسته‌بندی‌ها، نهایی شد. پس از استخراج، دسته‌بندی و تحلیل و بازنگری نتایج، گزارش نهایی یعنی تبیین و تحلیل مؤلفه‌ها و کارکردهای پرسشگری در دفتر اول مثنوی نگارش یافت.

## ۲. یافته‌های پژوهش

### ۲-۱. دسته‌بندی پرسش‌های دفتر اول مثنوی

در نگاهی کلی، می‌توان پرسش‌های به کار رفته در مثنوی معنوی را به سه دسته هم‌گرا، واگرا و تبیینی تقسیم کرد. پرسش‌های هم‌گرا پرسش‌هایی هستند که صرفاً برای گرفتن انکار، اقرار و یا تأکید بر موضوعی طرح می‌شوند. همچنین ممکن است پرسش‌هایی را شامل شوند که پاسخی یک کلمه‌ای را می‌طلبند. در یافتن پاسخ این نوع پرسش‌ها تأمل زیاد لازم نیست.

پرسش‌های واگرا پرسش‌هایی هستند که با هدف ایجاد تأمل طولانی و در اکثر موارد رسیدن به پاسخ طولانی مطرح می‌شوند. مولوی گاهی این پرسش‌ها را مطرح کرده و یافتن پاسخ برای آنها را به عهده مخاطب گذاشته است و گاه نیز در ادامه حکایت و یا داستان به آن پرسش‌ها با دادن سرنخ‌هایی پاسخ داده است. پرسش‌های تبیینی، پرسش‌هایی هستند که ضمن مطرح شدن سؤال، پاسخ نیز به طور ضمنی در ادامه بیت یا ابیات بعدی بلافاصله بیان شده است. پاسخ پرسش‌های تبیینی نه به کوتاهی پرسش‌های هم‌گراست و نه به دیرپافتگی و بلندی پرسش‌های واگراست.

جدول ۱. ابیات پریشی مولوی در دفتر اول مثنوی

نشان‌ی ابیات	تعداد ابیات دفتر اول	دسته‌بندی پرسش‌های دفتر اول مثنوی
<p>همچو نی زهری و تریاقی که دید / همچو نی دمساز و مشتاقی که دید (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۳۰)</p> <p>بند بگسل باش آزاد ای پسر / چند باشی بند سیم و بند زر (همان)</p> <p>(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰)</p>	۲۸۴	پرسش‌های هم‌گرا (پرسش‌های کوتاه‌پاسخ)
<p>آینه‌ات دانی چرا غماز نیست / زن که زنگار از رخسار ممتاز نیست (همان، ص ۳۰)</p> <p>پیش هست او بیاید نیست بود / چیست هستی پیش او؟ کور و کیود (همان، ص ۴۷)</p> <p>(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰)</p>	۸۹	پرسش‌های تبیینی (پرسش‌های استدلالی و پاسخ متوسط)



نشانی ابیات	تعداد ابیات دفتر اول	دسته‌بندی پرسش‌های دفتر اول مثنوی
گر نه این نام اشتقاق دوزخ است / پس چرا در وی مذاق دوزخ است؟ (همان، ص ۳۹) گر نه موشی دزد در انبار ماست / گندم اعمال چل ساله کجاست؟ (همان، ص ۴۲) (مولوی، ۱۳۸۹، ۱۵، ابیات ۱۲۶، ۲۹۴، ۳۶۲، ۳۸۲، ۳۸۳، ۵۰۴، ۵۳۴، ۵۹۴، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۶۸، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۹۴۹، ۹۵۷، ۱۰۲۳، ۱۰۸۶، ۱۱۱۹، ۱۱۸۱، ۱۲۱۸، ۱۲۲۳، ۱۱۲۴، ۱۲۶۴، ۱۳۰۱، ۱۳۱۶، ۱۳۶۲، ۱۴۱۱، ۱۴۲۳، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۸۶، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۱، ۱۵۲۲، ۱۵۷۵، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۹۴، ۱۷۲۵، ۱۷۹۸، ۱۸۱۴، ۱۸۲۹، ۱۹۱۳، ۱۹۶۵، ۲۰۲۰، ۲۰۳۰، ۲۰۳۲، ۲۱۵۴، ۲۱۵۵، ۲۱۸۲، ۲۲۲۸، ۲۳۲۴، ۲۴۲۱، ۲۴۲۲، ۲۴۲۳، ۲۴۲۴، ۲۴۸۳، ۲۴۸۷، ۲۴۷۲، ۲۴۷۳، ۲۵۳۲، ۲۵۳۳، ۲۵۶۲، ۲۵۶۳، ۲۵۶۴، ۲۵۶۵، ۲۶۶۱، ۲۶۶۲، ۲۶۸۹، ۲۶۹۲، ۲۷۷۶، ۲۸۱۰، ۲۸۵۹، ۳۰۴۳، ۳۰۵۶، ۳۰۶۲، ۳۱۰۱، ۳۱۰۸، ۳۱۶۹، ۳۱۷۰، ۳۱۷۲، ۳۱۷۴، ۳۲۳۵، ۳۲۶۸، ۳۳۶۱، ۳۳۶۸، ۳۴۰۱، ۳۵۱۵، ۳۵۵۳، ۳۷۲۷، ۳۷۲۸، ۳۷۲۹، ۳۷۳۰، ۳۷۳۱، ۳۷۷۲، ۳۷۸۶، ۳۷۵۰)	۱۰۳	پرسش‌های واگرا (پرسش‌های بلندپاسخ، مفهومی و عمیق

## ۲-۲. کارکردهای تربیتی پرسش‌های دفتر اول مثنوی

پس از ارائه دسته‌بندی کلی از ابیات پرسشی دفتر اول مثنوی معنوی، به ارائه دسته‌بندی، تعیین مؤلفه و نمونه ابیات از مثنوی مولوی با کارکرد تربیتی باید پرداخت. توجه به این نکته لازم است که پرسش‌ها از این وجه که نیاز به پاسخ تفصیلی دارند و به اصطلاح واگرا هستند و یا می‌توان با پاسخی کوتاه و یا تأیید صرف نسبت به آنها واکنش نشان داد، ملاک استخراج کارکردهای تربیتی پرسشگری از دفتر اول مثنوی نبوده است بلکه «برانگیزانندگی» و تأثیرگذاری پرسش و احتمال ایجاد کشش درونی برای اصلاح رفتار، واکنش رفتاری بیرونی و تداوم رفتار صحیح مورد نظر قرار گرفته است.

عواملی که میل درونی فرد به کار و تغییر را افزایش می‌دهند، عوامل برانگیزاننده هستند. این عوامل می‌توانند فرد را به صورت درونی یا بیرونی به فعالیتی وادارند و یا به فعالیت فرد شدت و جهت بخشند (برقی مقدم و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶). به عقیده این پژوهش، بسیاری از پرسش‌های بسته می‌تواند برانگیزانندگی درونی و احتمالاً تغییر بیرونی را موجب شوند.

در جدول ۲ از کارکردهای یادآوری و مرور، پذیرش ناتوانی، توجه و تمرکزدهی بر یک موضوع، غفلت‌زدایانگی، خواهش از خدا، نمایاندن غفلت و نادانی، بیان پشیمانی و تلاش برای جبران که اکثرشان از پرسش‌های هم‌گرا استخراج شده‌اند، کارکردهای استدلال‌خواهانه و تردیدزدایانه که از پرسش‌های تبیینی و واگرا استخراج شده‌اند، کارکردهای بسط بینش و دانش و خواهش از دیگران که از پرسش‌های واگرا و تبیینی استخراج شده‌اند، به‌عنوان کارکردهای تربیتی پرسشگری در دفتر اول مثنوی معنوی به همراه مثال‌هایی یاد شده است.

## جدول شماره ۲. پرسش‌های تربیتی دفتر اول مثنوی

عنوان کارکرد تربیتی پرسش	نمونه ابیات کارکرد مورد نظر
کارکرد ایجاد یادآوری و مرور	«هیچ گندم کاری و جو بردهد/ دیده‌ای اسبی که کره خر دهد» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۹) «خود کدامین خوش که او ناخوش نشد/ یا کدامین سقف کان مفرش نشد» (همان، ص ۱۰۵)
کارکرد پذیرش ناتوانی	«من چگونه هوش دارم پیش و پس / چون نباشد نور یارم پیش و پس» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۳۰) «در تصور ذات او را گنج کو/ تا در آید در تصور مثل او» (همان، ص ۳۳)
کارکرد توجه و تمرکز دهی بر یک موضوع	«تا ز زهر و از شکر در نگذری/ کی تو از گلزار وحدت بر بری» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۴۷) «جر و مد و دخل و خرج این نفس / از که باشد جز ز جان پر هوس» (همان، ص ۱۵۱)
کارکرد نمایاندن غفلت و نادانی	«چند صورت آخر ای صورت پرست / جان بی معنیت از صورت نرسد» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۶۶) «ای برادر چون ببینی قصر او / چون که در چشم دلت رسته ست مو» (همان، ص ۸۰)
کارکرد استدلال خواهانه	«آینه‌ت دانی چرا غماز نیست / زانکه زنگار از رخس ممتاز نیست» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۳۰) «گر نبودی اختیار این شرم چیست / وین دروغ و خجلت و آرم چیست» (همان، ص ۵۱) «چون که روغن را ز آب اسرشته‌اند/ آب با روغن چرا ضد گشته‌اند» (همان، ص ۱۲۰)
کارکرد بسط بینش و دانش	«چیست دنیا از خدا غافل بدن / نی قماش و نقره و میزان و زن» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۶۵) «او چه کرد آنجا که تو آموختی / ساختی مگری و ما را سوختی» (همان، ص ۹۶) «این عصا چه بود قیاسات و دلیل / آن عصا کی دادشان بینا جلیل» (همان، ص ۱۰۷)
کارکرد تردیدزدایانه	«تا کند محبوسش اندر دو گمان / آن کنم کاو گفت یا خود ضد آن» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۲) «زیر دیوار بدن گنج است یا / خانه‌ی مار است و مور و اژدها» (همان، ص ۱۱۳)
کارکرد غفلت‌زدایانه	«بند بگسل، باش آزاد ای پسر / چند باشی بند سیم و بند زر» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۲۹) «پس سلیمان گفت ای هدهد رواست / کز تو در اول قحاح این درد خاست» (همان، ص ۷۴) «ور نه‌ای منکر چنین دست نهی / در در آن دوست چون پا می‌نهی» (همان، ص ۱۴۶)
کارکرد بیان پیشیمانی و تلاش برای جبران	«این چرا کردم چرا دادم پیام / سوختم بی چاره را زین گفت خام» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۷) «گفت خصم جان جان چون آمدم / بر سر جان من لگدها چون زدم» (همان، ص ۱۱۹)
کارکرد خواهش از خدا	«گر فراق بنده از بد بندگی است / چون تو با بد کنی پس فرق چیست» (مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۶) «دست ما چون پای ما را می‌خورد/ بی‌امان تو کسی جان چون برد؟» (همان، ص ۱۷۱)
کارکرد خواهش از دیگران	«این چنین باشد وفای دوستان / من در این حس و شما در بوستان» (همان، ص ۸۶) «گفت چون خواهی بگویم کان چه‌هاست / یا بگویند آنکه ما حقیق و راست» (همان، ص ۱۰۸)

## ۲-۱-۲. کارکرد ایجاد یادآوری و مرور

گاه یک نکته آموزشی را می‌توان به شیوه پرسش تأکیدی و کوتاه پاسخ، به جهت یادآوری یک نکته بیان کرد. یادآوری یک موضوع تربیتی اگر مستقیم یا به شکل امری باشد، در اکثر موارد ممکن است در شخص مقابل برای یادگیری و یا تشویق برای انجام کار بازدارندگی ایجاد کند اما اگر نویسنده بتواند با پرسش تأکیدی شرایط یادآوری را فراهم کند، علاوه بر درگیر شدن ذهن مخاطب برای پیدا کردن پاسخ، تحکمی بودن و تلخی شیوه تربیتی یک طرفه و تک بعدی را نیز ندارد و درعین

حال پرسش خود برانگیزاننده خواهد بود. در ادامه چند بیت با کارکرد ایجاد یادآوری از مثنوی و شرح آن خواهد آمد.

«هیچ گندم کاری و جو بردهد؟ دیده‌ای اسبی که کوهی خر دهد؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۹)

این بیت در میان داستان طوطی و بازرگان آمده است. در حکایتی میانه داستان که درباره تأثیر لقمه حلال و حرام سخن می‌گوید. مولوی یادآوری می‌کند که آیا ممکن است تو گندم بکاری و حاصلش جو شود؟ یا دیده‌ای که اسبی کره الاغی به دنیا بیاورد؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۴۵۳) در این بیت مولوی با ذکر مثالی به شکل پرسشی به یادآوری این نکته می‌پردازد که هر علتی معلول مشخصی دارد و نمی‌توان جز آن انتظاری داشت. بیان پرسشی این دقیقه همراه با تمقیل ذکر شده، باعث می‌شود که مخاطب ضمن درگیر شدن برای یافتن پاسخ، نکته متذکر شده را بهتر بیاموزد.

«خود کدامین خوش که او ناخوش نشد؟ یا کدامین سقف کان مفرش نشد؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵)

بیت بالا که از داستان پیر چنگی است، به صورت پرسشی یادآور می‌شود که هیچ خوشی نیست که ناخوش نشود و هیچ سقفی نیست که فرونریزد و هر چیز زمینی عمری دارد (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۵۵۴) اگر مولوی گفته بود: «هیچ خوش نبود که آن ناخوش نشد/ یا که سقفی نیست کان مفرش نشد»؛ در این صورت ذهن مخاطب کمتر درگیر معنا و قصد شاعر از سخن می‌شد. مولوی با پرسشی آوردن بیت فضای کلی داستان را از تک‌گویی خارج و مخاطب را به دیالکتیکی درونی می‌کشاند. همین پرسشی کردن و ایجاد تأمل، تأکید و تأثیر یادآوری محتوایی را بیشتر و ناپایداری دنیا را عمیق‌تر بر جان مخاطب می‌نشانند. بنابراین می‌توان برای آموزش از پرسش‌های تأکیدی که جنبه غیر مستقیم دارند استفاده و یادگیری را پویا کرد.

## ۲-۲-۲. کارکرد پذیرش ناتوانی

گاه مولوی به‌عنوان آموزگار، در بعضی از ابیات پرسشی به کار رفته در مثنوی معنوی، ضمن تأکید بر معنا و مفهومی که از آن سخن می‌گوید، با بیانی پرسشی به ناتوانی خویش در مقابل محبوب و یا حتی شمس اعتراف می‌کند که اگر با جملات خبری بیان می‌شد، اثرگذاری چندانی نداشت اما زبان پرسش و گرفتن تصدیق از مخاطب سبب اثر بیشتر کلام شده است. پذیرش ناتوانی و اعتراف به آن در مقابل موجودی که از نظر رتبی از فردی بالاتر است، خود از نشانه‌های تواضع و داشتن ظرفیت وجودی بالاست.

«من چگونه هوش دارم پیش و پس چون نباشد نور یارم پیش و پس؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۳۰)

مولوی در این بیت با ابراز ناتوانی و تواضع مقابل محبوب می گوید که اگر نور هدایت خداوند نبود، من چیزی جز فردی ناتوان در مسیر سلوک نبودم (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۶۸). شاعر بیان ناتوانی خویش نسبت به اراده خداوند را به شکل پرسشی بیان می کند تا تأکید بر ناتوانی و وابستگی بنده به هدایت الهی که از مسائل مهم برای سلوک است را با تأثیرگذاری بیشتری برای مخاطب بیان کند.

«در تصور ذات او را گنج کو؟ تا درآید در تصور مثل او»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۳۳)

در اوایل داستان پادشاه و کنیزک حسام‌الدین چلبی از مولوی می خواهد که وصفی از شمس حقیقت بگوید و مولوی با آوردن دلایلی فعلاً از گفتن اسرار صرف نظر می کند. در این بیت، مولوی می گوید که ذات الهی چگونه در تصور انسان‌ها می گنجد تا بتوان مانند او را در تصور آورد؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۹۴) در این بیت نیز شاعر ضمن پرسشی تأکیدی بر ناتوانی فهم و ادراک مخلوقات در شناخت و تصور خداوند، اشاره می کند.

## ۲-۲-۳. توجه و تمرکز دهی بر یک موضوع

گاه مولوی به عنوان یک معلم در میان آموزش، برای ایجاد تمرکز و توجه دادن مخاطبان بر موضوع مورد بحث خود در مثنوی، از بیان پرسش تأکیدی در ابیات خویش استفاده می کند تا ضریب تأثیر کلام را در ذهن و رفتار مخاطب افزایش دهد.

«تا ز زهر و از شکر در نگذاری کی تو از گلزار وحدت بر بری»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۴۷)

در داستان پادشاه یهودی که نصرانیان را می کشت، مولوی از زبان وزیر و به شکل پرسش تأکیدی پیشروان مسیحیان را به این نکته توجه می دهد که تا از کثرت‌های این دنیا نگذرنند، نمی توانند به دریای وحدت متصل شوند و به دنیای حقیقت دست یازند (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۴) بنابراین، پرسش این بیت، تأکیدی و برای ایجاد تمرکز و توجه بر لزوم گذشتن از کثرت‌های دنیا برای رسیدن به وحدت و یکرنگی است که پرسشی بیان شدن آن برای جلب توجه مناسب‌تر است.

«جر و مد و دخل و خرج این نفس از که باشد؟ جز ز جان پر هوس؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱)

مولوی در پایان داستان مرتد شدن کاتب وحی، درباره اینکه آن کاتب تأثیر کار خود در ثبت وحی را هم پای کسی می‌داند که وحی بر او نازل شده، می‌گوید که فکر می‌کنی بالا و پایین رفتن و دم و بازدم نفس ما از چه کسی است جز روح ما که آن هم متصل به اراده خداست؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۸۵۷) اگر این نکته برای کسی گفته می‌شد که منکر اراده خدا در نزول وحی نبود، می‌شد تأکید بیت را از نوع مرور و یادآوری نیز گرفت. شاعر در این بیت و ابیات پیرامون آن، مخاطب را به این نکته متوجه می‌کند که در انجام شدن هر کاری مجموعه‌ای از عوامل مؤثرند. اما بعضی از عوامل تأثیر بیشتر و حتمی‌تری دارد و درست نیست تنها کار خود را آن هم وقتی ناچیز بوده، مهم و مؤثر بدانند. مولوی برای تأکید بر این مطلب و برانگیختن تأمل مخاطب، به جای اینکه بگوید: «جر و مد و دخل و خرج این نفس/ زان جان است زان جان پرهوس»؛ از پرسش تأکیدی بهره می‌برد.

#### ۲-۲-۴. کارکرد نمایاندن غفلت و نادانی

گاه غرض از پرسش در مثنوی به خاطر جهل فرد در مورد یک موضوع و تلاش برای رسیدن به دانایی است و یا پرسیدن برای نمایاندن جهل خود یا دیگری درباره یک موضوع است و در پی یافتن پاسخ یک مجهول پرسشی مطرح نمی‌شود. پرسش‌های دسته اول همان پرسش‌هایی است که در این پژوهش با عنوان «پرسش اکتشافی» مطرح شدند. اما گاهی غرض اصلی پرسش نشان دادن ناآگاهی است که فردی دارد و از آن بی‌خبر است و طرح پرسشی آن انگیزه بیشتر و بازدارندگی کمتری برای دریافتن نادانی ایجاد می‌کند. مربی می‌تواند با ترغیب متربی به پرسیدن این نوع پرسشها از خود در امور مختلف، کمک کند.

«چند صورت آخر ای صورت پرست؟  
جان بی‌معنیت از صورت نرست»  
(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۶۶)

ای ظاهر پرست! تا کی در ظاهر مسائل قرار است بمانی؟ تویی که جانت از باطن مسائل و عالم معنا به دور است، هنوز از ظاهر نتوانسته‌ای رها شوی؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۳۰۳) این پرسش، پرسشی انکاری و تأکیدی نیز هست و برای نشان دادن جهل فرد یا افرادی است که ظاهرین هستند و اگر مولوی گفته بود: «بگذر از صورت تو ای صورت پرست/ گرز صورت بگذری این بهتر است»؛ جمله مستقیم و امری شده و میزان ایجاد تأمل و برانگیخته شدن فرد برای گذر از ظاهر کمتر می‌شد.

«ای برادر چون بینی قصر او؟  
چون که در چشم دلت رسته ست مو»  
(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۰)

وقتی فرستاده روم از مردم مدینه سراغ قصر عمر را گرفت، مردم گفتند قصر ظاهری ندارد و قصر باطنی او را هم تو نمی توانی ببینی زیرا غفلت، جهالت و ظاهر بینی مانعی در دید باطنی تو ایجاد کرده است (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۳۹۳). نوعی از جهل هم غفلت و جهل باطنی است که به شیوه پرسشی به فرستاده روم متذکر شده اند تا تأثیر کلام بر او را بیشتر و او را برای رستن از ناآگاهی مشتاق تر کنند.

## ۲-۲-۵. کارکرد استدلال خواهانه

بعضی از پرسش های به کار رفته در مثنوی معنوی به دنبال استدلال خواهی درباره یک موضوع مطرح شده اند. در حقیقت در طرح این نوع پرسش ها پرسشگر به دنبال یافتن علت یک اتفاق است و از چرایی، چیستی و برای چه رخ دادن های یک پدیده می پرسد. این نوع پرسشگری به یادگیرنده قدرت استدلال، نگاه انتقادی و انفعالی نبودن می دهد و می تواند مورد توجه معلمان حال حاضر قرار گیرد.

«آینه ت دانی چرا غماز نیست؟ زان که رنگار از رخس ممتاز نیست»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۳۰)

مولوی در این بیت علت عدم دریافت لطایف و حقایق عرفانی را صاف نبودن دل از رنگار هوس و تعلقات دنیایی می داند (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۶۸). مولوی با طرح پرسشی به دنبال آن است که مخاطب را برای یافتن علت عدم دریافت حقایق به فکر وادارد. تصور کنید مولوی به جای بیان پرسشی، می گفت: «رو دلت را پاک کن غماز نیست/ رو که رنگار از رخس ممتاز نیست»، این لحن امری و عتاب آمیز مخاطب را به سر باز زدن از حرکت مواجه واداشته و یا به بی آلاش کردن درون کمتر ترغیب می کرد.

«چون که روغن را ز آب اسرشته اند آب با روغن چرا ضد گشته اند؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰)

در میان داستان مرد اعرابی و خلیفه، حکایت های زیادی آمده است تا مفهوم داستان اصلی دریافته شود. این بیت که پرسش آن استدلالی است، در مورد تضادهای میان مسائلی است که به هم نزدیک هستند. اگر روغن را از آب به وجود آورده اند، پس چرا این دو در واقعیت با یکدیگر ضد هستند؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۶۴۸) پرسش این بیت بیش از آنکه برای یافتن پاسخی مطرح شده باشد، برای ایجاد حرکتی ذهنی جهت رسیدن به پاسخ و نگاه انتقادی برای یافتن فهمی عمیق در مسائل ساده اطراف مطرح شده است.

«گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ وین دریغ و خجلت و آزرم چیست؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۵۱)

اگر اختیار نداری، پس دلیل این همه شرمگینی چیست؟ چرا افسوس می‌خوری؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۴) این دو پرسش از جمله پرسش‌هایی است که وزیر در داستان پادشاه یهودی از مریدان می‌پرسد. هدف کلی او در داستان، دوبه‌هم‌زنی میان رؤسای دینی و مردم است ولی نوع پرسش استدلالی و برای یافتن علت وجود شرم طرح شده است. مولوی به‌عنوان معلم در زمان آموزش پرسشی پرسیده و ذهن مخاطب را درگیر یافتن علت و نگاه انتقادی نکرده است.

## ۲-۲-۶. کارکرد بسط بینش و دانش (اکتشافی)

پرسش‌هایی که با کارکرد بسط بینش و دانش مطرح می‌شوند، به‌طور خاص پرسش‌هایی هستند که پاسخ دادن به آنها یک‌باره امکان‌پذیر نیست، یا نیاز به تجربه خاصی دارد و یا محتاج گذشت زمان و تأمل درباره موضوع مورد سؤال قرار گرفته، دارد. همچنین این‌گونه پرسش‌ها به تقویت قدرت تحلیل فرد شده و به بسط بینش و دانش او در مسائل مختلف کمک می‌کند و می‌تون با توجه به شیوه دیرین موجود در استفاده از پرسش برای گسترش بینش و دانش متربی، مورد توجه معلمان حال حاضر و آینده نیز قرار گیرد.

«چیست دنیا؟ از خدا غافل بدن نی قماش و نقره و میزان و زن»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۶۵)

در داستان شیر و نخجیران، مولوی بارها در اثنای قصه از روایت‌گری بیرون می‌آید و به فراخور موضوع، حکایت و یا چند بیتی مرتبط می‌آورد. در یکی از همین موارد می‌گوید: می‌دانی دنیاخواهی چیست؟ این است که از خدا غافل شوی و به هیچ عنوان معنی دنیاپرستی، ثروت‌اندوزی نیست (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۲۹۶). مولوی به مقتضای حال مخاطب توجه زیادی دارد خصوصاً در قصه‌های طولانی که ممکن است به دلیل آراستگی آن به حکایت‌های مختلف، مخاطب از همراهی خسته شود. بنابراین او از پرسشی مرتبط برای ایجاد تأمل در موضوع و گسترش دانش و بینش افراد استفاده می‌کند. در اینجا نیز ضمن پرسشی که خود نیز پاسخ‌گوی آن بوده، از مخاطب می‌خواهد در دنیا و دنیاپرستی تأمل کند و تحلیل درستی به‌دست آورد.

«او چه کرد آنجا که تو آموختی؟ ساختی مکاری و ما را سوختی»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۹۶)

در داستان طوطی و بازرگان، بازرگان به طوطی که از قفس رسته بود، می‌گوید: آن طوطی در هند چه کرد که تو آموختی و با به‌کار بردن حيله‌ای که او گفته بود، دل ما را سوزاندی؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۴۹۴) طوطی هندی با خود را به مردن زدن بینش جدیدی به طوطی در قفس داد و به او آموخت برای از قفس رستن و به آنها ملحق شدن باید از خود رها شود، نیست شود دنبال شهرت و نمایش نباشد، تا به دیار آشنایان و هم‌نوعان خویش راه یابد. بازرگان چون این مطلب را نمی‌دانست، از طوطی پرسید تا حقیقت بر وی مکشوف شود. مولوی شاید با این پرسش و پاسخ‌ها، می‌خواهد به تمام معلمان پس از خود بگوید که مخاطب را با مسئله همراه کنید او را به پرسش وادارید تا او خود به واسطه پرسش خود به آموختن ترغیب شود کاری که در یک تک‌گویی ناصحانه و خسته‌کننده دیرپاب است.

«این عصا چه بود؟ قیاسات و دلیل آن عصا کی دادشان؟ بینا جلیل»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷)

در بیت حاضر، دو پرسش وجود دارد: این عصا که در ابیات قبلی داستان پیرچنگی ذکر شد، چیست؟ و مولوی پاسخ می‌دهد که این عصا قیاس‌ها و استدلال‌هاست. و آن عصا را چه کسی به انسان‌ها داده است؟ و باز ضمن ایجاد تأمل در ذهن مخاطب، خود مولوی پاسخ می‌دهد که خداوند بلندمرتبه آن عصا را داده است (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۵۶۶). یکی از دلایل آوردن پرسش در میان داستان‌های طولانی، همراه نگه‌داشتن مخاطب از طریق ایجاد تأمل در ذهن اوست. چه بسا مولوی این بیت را با مکث برای مخاطب خوانده است تا او را به تحلیل و پاسخ‌گویی براساس آنچه در طول داستان آمده وادارد و فضا را از تک‌گویی به یک همه‌صدایی و یا دیالکتیک و گفتگو برساند. بنابراین به جای گفتن: «این عصا هم شد قیاسات و دلیل / وان عصا الله‌شان بخشید وان بینا جلیل»؛ از بیانی پرسشی در روند آموزش استفاده کرده است.

## ۲-۲-۷. کارکرد تردیدزدایانه

همان‌طور که مشخص است، در مراودات روزمره یا در نوشته‌ها، می‌توان تردید و دودلی را با پرسش از فردی که نسبت به آن امر علم دارد رفع کرد. بعضی از پرسش‌هایی که مولوی در مثنوی و به‌ویژه در دفتر اول و از زبان قهرمان داستان‌هایش می‌آورد، برای آن است که دودلی را که در ذهن مخاطب شکل گرفته را رفع کند و یا اینکه با ایجاد دودلی سعی در به تأمل واداشتن مخاطب و مرید برای رفع تردید نماید. نشانه‌های ظاهری این نوع پرسش‌ها واژه «ور نه»، «یا» و... است و در اکثر موارد در مثنوی پاسخ آن به مخاطب واگذار شده است اما پاسخ امری سخت‌یاب و یا غیرقابل دست‌یابی نیست.



«تا کند محبوسش اندر دو گمان آن کنم کاو گفت یا خود ضد آن؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۲)

مولوی می‌گوید که گاهی خداوند آدمی را در تردید قرار می‌دهد تا بین دو امر که با هم متضادند مدتی به دنبال راه درست باشد. در بیت‌های بعد گوش جان به سخن خداوند سپردن و در آوردن پنبه از گوش را راه‌هایی از تردید می‌داند (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۴۰۶). بنابراین در این مورد، شاعر پرسش تردیدی را به این منظور که راه‌هایی از پرسش تردیدی را بیان کند مطرح کرده است و گویا تردید در اینجا آفت رشد دانسته شده و دلیل پرسشی مطرح شدن آن نیز ایجاد براگیزانندگی در مخاطب برای رفع تردید است و در آموزش و برای درگیر کردن ذهن آموزش‌پذیر، برای رفع تردید می‌توان از پرسش استفاده کرد.

«زیر دیوار بدن گنج است یا خانه‌ی مار است و مور و اژدها؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳)

در این بیت، پرسشی برای رفع تردید آمده است. آیا در باطن آدمی، گنج است و آکنده از معارف و حقایق است و یا جایگاه ماران و مورانی است که نمادی از اخلاق پلید هستند؟ اگر آدمی بفهمد که هیچ گنجی از فضایل نیاندوخته، عمرش بر باد رفته است و این فهم هم به درد او نخواهد خورد (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۶۰۴). مولوی در بیتی که در داستان مرد اعرابی آورده، این تردید آن هم زمانی که بیشتر عمر سپری شده است را بیهوده می‌داند اما پرسش برای رفع تردید را به خودی خود راهی برای رسیدن از جهل به آگاهی می‌داند و در پی آن است.

## ۲-۲-۸. کارکرد غفلت‌زدایانه

در قرآن در آیات مختلفی از هشدار به بندگان جهت رفع غفلت استفاده می‌شود (قرآن، بقره ۶، انعام ۱۹، اعراف، ۱۸۴ و...). مولوی به پیروی از قرآن در مثنوی گاهی از بیان پرسشی برای تلنگر زدن به مخاطب و برانگیختن آگاهی درونی و واداشتن وی به رفتار صحیح و ایجاد حرکت و تغییر در اخلاق و منش استفاده می‌کند. هشدار و اعتراض به رفتار و اخلاق نامناسب اگر با زبان پرسش مطرح نشود، عتاب‌آمیز خواهد شد و تأثیر عملی هشدار را پایین می‌آورد. علاوه بر آن، ذهن مخاطب در بیان پرسشی هشدار، بیشتر درگیر پیدا کردن پاسخ ذهنی و بازنگری و تغییر می‌شود.

«بند بگسل، باش آزاد ای پسر چنند باشی بند سیم و بند زر؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۲۹)

ای سالک! قید و بند دنیا را از خود بازکن و رها شو. تا کی می‌خواهی گرفتار دنیا و بنده سیم و زر باشی؟ اینکه شیخ به سالکان و مریدان پسر خطاب می‌کرده، به خاطر ارتباط معنوی محکم میان آنها در مسیر تربیت است (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۶۲). مولوی هشدار خود برای دوری از دنیا و ثروت را در مصراع اول به شکل امری و مصراع دوم با ساخت پرسشی بیان می‌کند. جمله امری باعث توجه‌دهی و تغییر مسیر فرد می‌شود و پرسشی که در مصراع دوم آمده، مخاطب را به تأمل در رفتار گذشته خود به قصد بازنگری وامی‌دارد و ذهن او را از این حالت که بخواهد فرمان کسی را اجرا کند خارج می‌کند و به تصمیمی درونی که براساس یک بازنگری است سوق می‌دهد. اگر بیت مولوی این بود: «بند بگسل، باش آزاد ای پسر/ هین نباشی بند سیم و بند زر»؛ مخاطب با چند جمله امری مواجه می‌شد و به احتمال زیاد، به بازنگری درونی و تغییر پایدار ترغیب نمی‌شد. با توجه به استفاده مولوی از پرسش برای زدودن غفلت در مخاطب، می‌توان پرسش را شیوه‌ای غیرمستقیم و اثربخش برای زدودن غفلت از تربی به مریبان توصیه کرد.

«پس سلیمان گفت ای هدهد رواست؟ کز تو در اول قدح این درد خاست؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۷۴)

در مجلس حضرت سلیمان با پرندگان، سلیمان با شنیدن حرف‌های زاغ به هدهد گفت که آیا رواست همین اول کار دروغ بگویی و ناراستی و ناخالصی پیشه کنی؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۳۵۲) در این مورد هدهد عملکردی دارد که توسط مافوق به دلیل بدگویی دشمنان و یا بی‌اطلاعی مافوق که می‌تواند معلم و یا والد و... را نیز شامل شود، به شکل پرسشی مورد اعتراض قرار گیرد و به او لزوم غافل نبودن در رفتار تذکر داده می‌شود. این نوع عتاب اعتراضی از سمت مافوق گاه می‌تواند به حق و براساس اشتباه فرد باشد. این نوع پرسش‌ها اگرچه اعتراضی است اما ساختار آن تأکیدی نیست و مخاطب به دنبال گرفتن پاسخ، پرسش خود را مطرح می‌کند. این فرصت‌دهی به مخاطب و دوری از قضاوت سبب رشد فردی و اجتماعی مخاطبان نیز خواهد شد. همچنین می‌تواند به رشد فرد نیز کمک کند.

«حلقه کوران به چه کار اندرید؟ دیدبان را در میانه آورید»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷)

در میانه داستان پیر چنگی هنگامی که عمر در خوابی بی‌وقت در ندایی که مشخص نیست از کجاست و دلپش چیست می‌شنود که او را به دست‌گیری از پیر چنگی فرامی‌خواند، از داستان بیرون می‌آید و برای ترجیح جایگاه ندای غیبی بر مسائل استدلالی شروع به توضیح و حکایت‌گویی می‌کند. سپس با نهییب می‌گوید: ای خیل کوران غافل و سرگشته معرفت، به چه کار مشغول هستید؟

فرد بینایی را بیاورید تا راه را نشانتان دهد و شما را به مقصود برساند (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۵۶۷). هشدار مولوی به مخاطب (به چه کار مشغولید؟) برای این است که غبار غفلت را از دیدگان بزدايد و آدمی از بند ظواهر و حواس بیرونی و استدلال بیرون آید تا بتواند حقایق را ببیند. او مانند معلمی دلسوز نگران دانش آموز خود است و می‌داند که با بیت پرسشی بهتر می‌تواند او را برانگیزاند.

## ۲-۹. کارکرد بیان پشیمانی و تلاش برای جبران

بعضی از پرسش‌هایی که مولوی در مثنوی به کار برده است، برای نشان دادن پشیمانی قهرمان داستان‌ها از کرده خویش هستند. این پرسش‌ها بیشتر برای برانگیزاندگی، پشیمان‌سازی و جبران به کار می‌روند تا اینکه در مطرح شدن نشان هدف، ارائه پاسخ صرف باشد. بنابراین به دلیل داشتن اغراض ثانویه، علاوه بر جنبه اخلاقی و عبرت‌آموزی و تأثیرگذاری تربیتی، ادبی نیز هستند.

«این چرا کردم؟ چرا دادم پیام؟ سوختم بی چاره را زین گفت خام»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۷)

کاش حرف طوطی هندی را به طوطی خودم نمی‌رساندم. چرا این کار را کردم و جان این طوطی را با کلام نسنجیده گرفتم؟ این پرسش برای تذکر به مراقبت زبانی نیز به کار رفته است (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۴۴۰). این نوع پرسش را بازرگان برای پشیمانی، سرزنش و تذکر نسبت به گفته و کرده خویش مطرح کرده است. هدف پرسش‌ها دریافت پاسخ از خود یا مخاطب نیست بلکه جنبه تذکر و برانگیختگی درونی و مراقبت بیشتر از زبان خویش دارد که به دلیل داستانی بودن، پرسشی مطرح شدن و اینکه قهرمان داستان خویشتن را مخاطب قرار داده و امری و نصیحت‌گونه نیست، از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است و می‌تواند مورد توجه مریبان در فرایند آموزش و تنبیه قرار گیرد.

«گفت خصم جان جان چون آمدم؟ بر سر جان من لگدها چون زدم؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹)

مرد اعرابی که با شنیدن حرف‌های زن از جدل با همسر خود پشیمان شده بود، با خود گفت که من چرا دشمن کسی شدم که جان جانم است و برایم خیلی عزیز است؟ و چرا بر سر او لگدها زدم؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۶۳۸) در این بیت نیز مولوی یک حدیث نفس پرسشی برای نشان دادن پشیمانی ترتیب می‌دهد تا به خاطر پرسشی و غیرمستقیم بودن، تأثیر کلام را بالا برد.

## ۲-۲-۱۰. خواهش از خداوند

بیشتر اوقات در مناجات‌ها و راز و نیاز با خداوند، از فعل امری استفاده می‌شود. اما گاهی ضمن ابراز تواضع در محضر خداوند، افراد خواسته خویش را پرسشی مطرح می‌کنند که به دلیل غیرمستقیم بودن و رعایت ادب حضور در برابر مولا، بر متانت کلام افزوده می‌شود و برای همین چنین بیانی احتمال گرفتن پاسخ مثبت و اجابت درخواست را نیز بالا می‌برد.

«گر فراق بنده از بد بندگی است چون تو با بد بد کنی پس فرق چیست؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۶)

خداوندا! اگر من به‌عنوان بنده تو در بندگی رفتار بدی کردم و تو هم بخواهی به عوض، با من بد برخورد کنی، فرق تو که خدایی با من بنده چیست؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۴۳۴). مولوی با بیان اینکه بد کرده اما انتظار دارد خدا بنده‌نوازی کرده و با او خوب رفتار کند و او را مورد لطف خود قرار دهد، به شکل پرسشی به خداوند خواهش خود برای بخشش را مطرح می‌کند. این بیان مؤکد و تأثیرگذار به دلیل آمرانه نبودن و رعایت شأن مخاطب به اجابت نزدیک‌تر است و مولوی ضمن طرح آن، سعی دارد تا ادب سؤال از خداوند را نیز به مخاطب بیاموزد.

«دست ما چون پای ما را می‌خورد بی‌امان تو کسی جان چون برد؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱)

دست ما با اعمال ناشایستی که انجام می‌دهد، سبب می‌شود تمام اعمال خوبی که علت آن پای ماست از بین برود و در چنین موضعی خداوندا اگر تو حافظ ما نباشی، بی‌گمان در ورطه گمراهی و شیطانی می‌افتیم (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۹۸۶). در این بیت ناتوانی بنده و دستگیری خداوند به شکل پرسشی و طلب غیرمستقیم از خداوند بیان شده است و پرسشی بیان شدن آن باعث تأکید بیشتر بر ناتوانی و تأثیر بیشتر بر مخاطب که خداوند است برای اجابت خواسته و امان‌دهی او می‌شود.

## ۲-۲-۱۱. کارکرد خواهش از دیگری

پرسش از بهترین و مؤدبانه‌ترین ابزار برای طلب و بیان خواسته با دیگران است، خصوصاً اگر انکاری و تقریری باشد. پرسش‌های طلبی که مولوی در دفتر اول مثنوی به‌کار برده است، بعضی به‌صورت مستقیم بوده و بعضی بسیار غیرمستقیم تقاضایی را مطرح داشته است که مطرح کردن پرسشی خواهش، به جهت رعایت آداب مخاطب را به برآورده ساختن نیاز و یا پاسخ دادن بیشتر

ترغیب می‌کند. همچنین بعضی از پرسش‌های طلبی در مثنوی هستند که پرسش طلبی در آنها از ربان مطالبه‌شونده و با دیدن حال مطالبه‌گر مطرح می‌شود.

«این چنین باشد وفای دوستان من در این حبس و شما در بوستان؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۸۶)

طوطی در قفس به طوطیان هندوستان می‌گوید که وفای شما دوستان همین‌قدر است که به دوست در حبستان بی‌اعتنا باشید و در بوستان با رهایی زندگی کنید؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۴۳۲) در ظاهر طوطی در قفس هیچ درخواستی مطرح نکرده است ولی در حقیقت او درخواست خود برای نشان دادن راه چاره‌ای جهت رهایی از حبس را از طوطیان هندی دارد و آن را به شکل انگاری مطرح می‌کند. این نوع طرح خواسته مؤدبانه‌تر و به پاسخ گرفتن نیز نزدیک‌تر است و تأثیرگذاری بیشتری دارد. بنابراین، معلم و مربیان می‌توانند مربی را به این‌گونه پرسشگری و درخواست سوق دهند.

«گفت چون خواهی بگویم کان چه‌هاست یا بگویند آنکه ما حقیق و راست»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸)

ابوجهل برای امتحان پیامبر ﷺ در مشت خود مقداری سنگ قرار می‌دهد و به او می‌گوید که اگر پیامبری، بگو در مشت چیست؟ پیامبر می‌گوید که تو دقیقاً از من چه می‌خواهی؟ می‌خواهی بگویم که در مشت چیست یا می‌خواهی آن سنگ‌ها بر حقانیتم گواهی دهند؟ (زمانی، ۱۳۷۲، ص ۵۷۲) سخن گفتن غیرآمرانه، سؤال طلبی و مخیر کردن از شیوه‌های تربیتی مهم است و از نمونه یاد شده مشهود است. پیامبر ﷺ از خود فرد می‌خواهد تا یک مسیر را انتخاب کند. این پرسش طلبی می‌تواند زمانی که کودک و یا مربی بر امری اصرار یا لجاجت می‌کند برای آرام‌سازی او استفاده شود. مثلاً وقتی کودکی اصرار به رفتن به گردش دارد، والد به او بگوید: احتمالاً حالا که ساعت شش است نتوانیم برای مدت طولانی به گردش برویم به دلیل اینکه وقت کمی داریم. شما می‌خواهی ساعت شش به گردش برویم یا ساعت هشت؟ و خود کودک پس از بررسی محاسن و معایب گزینه‌ها، انتخاب‌کننده نهایی باشد و چون خودش انتخاب کرده است، در انجام آن گزینه نیز دقت می‌کند.

### نتیجه‌گیری

داده‌های اولیه پژوهش حاضر که ابیات پرسشی بوده‌اند، پس از مطالعه دفتر اول مثنوی به دست آمده است. نمونه پژوهش حاضر ابیات پرسشی بوده‌اند که کارکرد تربیتی دارند. نمونه‌گیری نیز

هدفمند بوده است. پس از مطالعه دفتر اول مثنوی و جداسازی ابیات پرسشی آن به دسته‌بندی آنها بدون در نظر داشتن اینکه پرسش جنبه تربیتی داشته یا خیر، پرداخته شده است و ابیات پرسشی در سه دسته پرسش هم‌گرا، پرسش تبیینی و پرسش واگرا تقسیم‌بندی شده است. برای تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر از تحلیل محتوای کیفی در سه مرحله ۱. تحلیل ابتدایی، ۲. استخراج از مواد و داده‌ها، ۳. تبیین نتایج به دست آمده و تفسیر آن، بهره گرفته شده است.

با بررسی پرسش‌های یافت شده، پرسش‌هایی که فقط کارکرد تربیتی دارند جدا و در جدولی مجزا همراه با نمونه ابیات آورده شد و ابیات، مورد شرح و تبیین قرار گرفت. اصل مهم در تبیین کارکردهای پرسشگری در پژوهش حاضر، بعد تربیتی و آموزشی و برانگیزانندگی درونی و رفتاری پرسش‌های انتخاب شده از متن بوده است و به مقدار و نوع پاسخ به پرسش برای تربیتی و غیرتربیتی دانستن آن توجهی نشده است. به طور مثال در بیت:

«چند صورت آخر ای صورت پرست؟  
جان بی معنیت از صورت نرست؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۶۶)

پرسش‌ها از نوع تأکیدی و تقریری هستند و پاسخ آنها مشخص است. این پرسش‌ها با وجود کوتاه‌پاسخ یا هم‌گرا بودن، اما به دلیل برانگیزانندگی درونی و قابلیت که در ایجاد تغییر و رشد تربیتی دارند مانند سایر اشکال پرسش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

«در محل قهر این رحمت ز چیست؟  
اژدها را دست‌دادن راه کیست؟»

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۷)

این بیت دارای دو پرسش اکتشافی و عمیق است که اصطلاحاً واگرا یا بلندپاسخ است اما در دسته‌بندی که براساس انگیزندگی و ایجاد رشد است، بر پرسش‌های استدلالی و تبیینی و یا پرسش‌ها هم‌گرا برتری ندارد.

لازم به ذکر است که در مقاله حاضر، کارکردهایی چون یادآوری، پذیرش ناتوانی، توجه و تمرکزدهی بر یک موضوع، غفلت‌زدایانه، خواهش از خدا، نمایاندن غفلت، بیان پشیمانی و تلاش برای جبران که اکثرشان از پرسش‌های هم‌گرا استخراج شده‌اند، کارکردهای استدلال‌خواهانه و تردیدزدایانه که از پرسش‌های تبیینی و واگرا استخراج شده‌اند، کارکردهای بسط بینش و دانش و خواهش از دیگران که از پرسش‌های واگرا و تبیینی استخراج شده‌اند، کارکردهای تربیتی پرسشگری مربوط به پرسش‌های تربیتی موجود در دفتر اول مثنوی معنوی را تشکیل می‌دهند که شواهد متنی آنها در جدول شماره ۲ آمده است.

با توجه به کارکردهای تربیتی استخراج شده از پرسش‌های دفتر اول مثنوی، معلمان، والدین، استادان دانشگاه و مربیان محترم می‌توانند در مواضع مختلف به‌جای جملات امری و مستقیم که میزان رغبت متریبی به انجام کار مورد نظر مربی و یا ایجاد تغییر خواسته شده را کم می‌کند، از پرسش و پرسشگری که ضمن رشد روحیه انتقادی و تفکر خلاق، به دلیل آمانه نبودن و فعال نگه داشتن قوه تصمیم‌گیری و تفکر، استفاده کنند. مثلاً برای یادآوردی و مرور مطالب آموزشی، برای توجه دادن به یک نکته خاص، جهت ترغیب به استدلال‌گرایی و یا بسط دانش و بینش فرد، «پرسش» بهترین گزینه برای آموزش بهتر و تربیت سودمندتر است. همچنین در تألیف منابع درسی نیز می‌توان براساس کارکردهای یاد شده در پژوهش حاضر پرسشگری را مبنای آموزش و کتب آموزشی قرار داد.



## منابع

۱. قرآن (۱۳۶۷)، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: بنیاد نشر قرآن.
۲. آفاحسینی، حسین؛ محمود براتی و فاطمه جمالی (۱۳۹۰)، «اهمیت پرسش در متون عرفانی»، فصلنامه علمی پژوهشی کاوشنامه، س ۱۲، ش ۲۲، ص ۱۳۱-۱۶۰.
۳. ابراهیمی، نامدار و محمود مهرمحمدی (۱۳۹۳)، «از پرسش‌های متخیلانه تا پاسخ‌های خلاقانه»، مجله علمی پژوهشی پژوهشنامه تعلیم و تربیت، س ۴، ش ۲، ص ۲۹-۵۰.
۴. اوورهلسر، جیمز (۱۳۹۵)، راه و رسم پرسشگری سقراطی در روان‌درمانی، ترجمه: آرزو حسینی، تهران: ابن‌سینا.
۵. باردن، لورنس (۱۳۷۴)، تحلیل محتوا، ترجمه: محمد یمینی دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی، تهران: شهید بهشتی.
۶. باقری، خسرو (۱۳۹۲)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: نشر مدرسه.
۷. برقی مقدم، جعفر؛ بتول مشرف‌جوادی؛ سیدامیراحمد مظفری، و مسیرتقی فرشی گروسی (۱۳۸۸)، «ارتباط سبک‌های هویت با عوامل برانگیزاننده و احساس موفقیت»، مجله فراسوی مدیریت، س ۳، ش ۱۱، ص ۱۳۵-۱۵۵.
۸. حاجیان، بهناز (۱۳۹۱)، «نقش تربیتی پرسش‌های قرآنی در تغییر فرهنگ جاهلی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۹. حاجتی‌زاده، راضیه (۱۳۹۴)، «پرسش از پرسش‌گونه‌ها و کارکرد پرسش در دیوان ناصرخسرو»، دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، س ۲۳، ش ۷۹، ص ۱۱۳-۱۳۹.
۱۰. رنجبرتیلکی، زهرا (۱۳۸۹)، «کارکردهای تربیتی پرسش در قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی، دانشکده اصول الدین.
۱۱. زمانی، کریم (۱۳۷۲)، شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر اول، چاپ اول، تهران: اطلاعات.
۱۲. سجادیه، نرگس؛ نیکو دیالمه و سارا طوسی‌ان خلیل‌آباد (۱۳۹۶)، «رویکرد تربیتی به کارکردهای پرسشگری از منظره قرآن کریم»، دوفصلنامه علمی پژوهشی کتاب‌قیم، س ۷، ش ۱۶، ص ۶۹-۹۰.
۱۳. شکیبایی، زهره؛ ناصر گلجی و جواد خلعتبری (۱۳۸۹)، «تأثیر داستان‌های مثنوی مولانا بر مهارت پرسشگری فلسفی نوجوانان»، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، س ۲، ش ۲، ص ۱۱۷-۱۳۴.



۱۴. صادقی، جواد (۱۳۹۴)، «پرشگری در قرآن و عهد جدید»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۱۵. عبدالله‌پور، رویا (۱۳۹۸)، «تأثیر فلسفه‌ورزی بر پرشگری دانش‌آموزان و تبیین آن از منظر قرآن»، مجله فلسفه و کودک، ش ۲۰، ص ۴۳-۴۸.
۱۶. فصیح، نگار (۱۳۹۳)، «ماهیت پرشگری در قرآن کریم و ویژگی‌های آموزشی آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
۱۷. فلیک، یو (۱۳۸۲)، درآمدی بر پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی، ترجمه: عبدالرسول جمشیدیان، علی سیادت و رضاعلی نوروزی، قم: سما قلم.
۱۸. فیضی شلمانی، محسن (۱۳۸۰)، «پرش و پرشگری در قرآن کریم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۰)، معانی (زیباشناسی سخن پارسی ۲)، تهران: مرکز.
۲۰. مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۹)، مثنوی معنوی براساس تصحیح نیکلسون، قم: کمال الملک.
۲۱. مؤمنی‌راد، اکبر؛ خدیجه علی‌آبادی؛ هاشم فردانش و ناصر مزینی (۱۳۹۲)، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش، ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ش ۱، ص ۴، ۱۸۷-۲۲۲.
22. Nowrozi, Reza, Mohamadreza Nasr Isfahani, Fateme Davari (2014), "Sufi educational purposes from Suhrewardi's perspective". *Journal of Education and Practice*, Vol.5, No.34, pp: 174-183.